نگاه اسلام به شعر و شاعری

سجادی دزفولی، سیدمحمود

اهل خرد،تعاریف گوناگونی در مورد شعر بیان کرده‏اند،مثلا بعضی می‏گویند: شعر کلامی است موزون،مقفی و مخیل و برخی هم عقیده دارند که شعر کلامی‏ است موزون و مخیل و با احساس و عاطفه،و عده‏ای هم بر این باورند که شعر کلامی است که دارای آهنگ و عاطفه و تخیل است.

به هر روی،شعر کلامی غیر واقع و مخیل است که هر زمان دارای تعریف‏ خاصی است و نیازمند زمان و زبان همان‏ عصر.پیش از اسلام،شعر و شاعری لونی‏ دیگر از این تعاریف بود،شاعران پیش از اسلام شعرشان ارتباط و پیوندی صمیمی‏ با جنگ و خونریزی و شراب و مفاخر قبیله‏ای و...بود اما با پیدایش اسلام‏ سمت و سویی الهی و ارشادی هم به شاعر و هم به شعر داده شد و این جهت دهی‏ منظر شعر شاعران را وسعت بخشید و دنیایی بکر و بدیع در برابر چشمانشان‏ گشود.شاعران میراث داران و پاسداران‏ واقعی زبان هر ملت هستند و امروز ما از طریق شعر شاعران سلف به اوضاع‏ سیاسی و اجتماعی و حکومتی پی‏ می‏بریم.مثلا ما از شعر دوره مشروطیت‏ آگاه می‏شویم که در زمان مشروطه و قاجار شعر و شاعران چه اوضاع و احوالی‏ داشتند و همچنین زمان‏های دیگر،به هر روی شعر،آیینه تمام نمای ادوار اندیشه‏های ادبی هر قومی است و شاعران بیانگر اندیشه‏های متلون‏ تاریخی‏اند و لا غیر.

شاعران،پیامبران شعر راستین زمان خویشند و شاعرانی مورد لطف و احترام جامعه قرار می‏گیرند که دارای خلقی نیکو و پسندیده و اهل عمل‏اند. اگر چه شعر هویت لحظه‏های بیتابی شاعر است‏ ولی زبان شاعر هم زبان هویتی هر ملت و عصری‏ است و شاعران آرمانهای انسانی و نیازهای‏ اجتماعی را با زبان شعری که ودیعه‏ای الهی است‏ بیان می‏کنند و چنانچه این زبان شعری،با لعاب‏ صدق و راستی آذین داده شود،ماندگاریش را در اذهان عمومی می‏شود به طور عینی مشاهده کرد.

لذا شاعران سرایندگان راستین شعرهای ناب‏ روزگارانند.

متأسفانه گاهی اوقات دیده می‏شود که بعضی‏ از اهل قلم-بی‏غرض یا شاید هم با غرض-از بی‏علاقگی قرآن و اسلام به شعر،حرف‏هایی‏ می‏زنند و این طور القاء شبهه می‏کنند که اسلام، مخالف شعر و شاعران است و برای مستند کردن‏ ادعای خود،آیهء مبارکه

«الشعراء یتبعهم الغاوون»

(سوره الشعراء آیه 234)را مورد اشاره قرار می‏دهند و حال آن که اسلام،نه تنها به«شعر» بی‏علاقه نیست،بلکه با آن پیوندی محکم و آسمانی‏ دارد.

قرآن علاوه بر اعجازهای معنوی و باطنیش، از نظر صوری و ظاهری و بلاغی نیز بسیار زیبا، بلیغ،آهنگین و در بسیاری از موارد مسجع و مقفی‏ نازل شده و من حیث المجموع حالتی شعر گونه‏ دارد و چون عده‏ای از شکاکان و کافران از این نظم‏ حیرت انگیز کلامی،سوء استفاده کرده و نسبت‏ شاعری به پیامبر اکرم(ص)می‏دادند،آیه مبارکه‏

«و ما علمناه الشعر و لا ینبغی له»

(1)نازل شده تا هر گونه شائبه شعر بودن قرآن و شاعری رسول الله‏ بطور صریح زایل شود و آنان بدانند که خداوند به‏ صراحت فرموده است«ما به او(پیامبر)شاعری یاد ندادیم تا این تشکیک مغرضانه که در آن شرایط حساس بسیار خطرناک بود خنثی شود.»

در مورد آیه

«الشعراء یتبعهم الغاوون»

(2)(شعرا از گمراهان پیروی می‏کنند.)باید گفته شود چون‏ عده‏ای از شاعران جاهلی و صاحبان معلقات‏ سبعه،(3)اشعاری را اشاعه می‏دادند،که پس از ظهور اسلام با منویات مقدس اسلام مغایرت داشت‏ و مندرجات عمده این معلقات خمریه و ستایش زن‏ و ارجوزه‏های لاف زنانه مبتنی بر خشونت و خونریزی و فخریه‏های پوشالی طایفه‏ای و عشیره‏ای و تفاخر به استخوان‏های پوسیده پدران و غیره بود،این آیه نازل شد تا شائبه هر گونه«شعر بودن»را بر طرف سازد.همچنین چون جادوگری، در آن ایام باب بود و جادوگران،جملات مسجع‏ می‏ساختند و برای اغوای عوام می‏خواندند که آن‏ هم حالت کلام منظوم داشت،آیهء فوق الذکر نازل‏ شد.سه دیگر اینکه عده‏ای از ایمان آورندگان به‏ اسلام فی الحقیقه به جای ایمان عملی و التزام قلبی به اسلام،فقط«شعار»می‏دادند،آیه فوق چون‏ ضربه‏ای هشدار دهنده و بیدار کننده بر سر آنان فرود آمد و راه هر گونه بهانه جویی جاهلانه را،بخصوص‏ با جنگ و جهاد مسدود کرد.

در قرآن کریم،به طور مکرر،فعل«یشعرون» و«لا یشعرون»را معادل و به معنای«یفهمون»و «لا یفهمون»می‏بینیم و برایمان مشخص می‏شود که‏ «شعر»و علم و فهم به یک معنایند و در لسان عرب‏ (بخصوص در حوزه معارف اسلامی و قرآنی) «شعر به»یعنی«علم به»و در فرهنگ قرآن،شعر و شعور از یک ریشه و یک خانواده‏اند.

می‏دانیم حضرت آمنه-مادر گرامی حضرت‏ رسول اکرم(ص)-شاعر بوده و قسمتی از سروده‏های ایشان در منابع داخلی و خارجی ضبط است.شخص حضرت رسول با این که به هیچ وجه‏ شاعر نبوده،ولی شعر و شاعری را دوست‏ می‏داشته‏اند،کما این که در یک حدیث معتبر از حضرت ایشان نقل شده:«الشعراء امراء الکلام» یعنی شاعران امیران سخن‏اند و در حدیثی دیگر منقول از آن حضرت آمده:

«انّ لله کنوزا تحت العرش مفاتیحه السنة الشعرا»یعنی خدا را گنج‏هایی است در زیر آسمان‏ که زبان‏های شاعران کلیدهای آن گنجهایند.بر همین اساس است که مولانا جلال الدین رومی‏ (مولوی)می‏فرماید:

هم امارت هم زبان دارم کلید گنج عرش‏ وین دو دعوی را دلیل است از حدیث مصطفی

و اگر خاقانی شروانی شاعر بزرگ و پر آوازهء قرن‏ ششم هجری می‏گوید:

مرا به منزل«الا الذین»فرود آور فرو گشای ز من طمطراق الشعراء(4)

این ابیات،نظر مثبت قرآن را نسبت به شاعران‏ بیان می‏کند که آن دسته از شاعرانی که عملا ایمان‏ آورده و مشمول...

الا الذین آمنوا و عملو الصالحات

(5)هستند جزء خاسرین نبوده و مورد لطف و مرحمت قرآن هستند.

حضرت رسول(ص)به«حسان بن ثابت» شاعر همزمان خود امر کرد،تا در برابر وافدین عرب‏ که«فخریه»می‏خواندند«شعر»بگوید و حقایق دینی‏ و الهی را بیان کند.یا«کعب بن زهیر»شاعر معروف‏ جاهلی در وقت اسلام آوردن قصیده غرایی در نعت‏ و ستایش وجود مبارک پیامبر اسلام اکرم(ص) سرود و حضرت ختمی مرتبت او را مورد تفقد قرار داده و عبای مبارک خود را به او اهداء فرمود و به اعتبار این هدیه بزرگ«قصیده بردیه»یا«برده» معروف شد و گویند این عبا تا چند نسل بعد،تبرکا و تیمنا و از روی فخر و مباهات در میان اعقاب او باقی مانده بود.

حضرت علی علیه السلام شخصا شاعر بوده‏اند و دیوانی به آن حضرت منسوب است که مکرر چاپ‏ شده است.این دو بیت تحمیدیه زیبا،به آن حضرت‏

نسبت داده شده:

اعتصام الوری بمغفرتک‏ عجز الواصفون عن صفتک

تب علینا فاننا بشر ما عرفناک حق معرفتک

اصحاب و یاران نزدیک حضرت علی علیه‏ السلام نیز شاعر بودند،یا تفننات شعری داشتند، مانند:مالک اشتر که دیوان دارد و قیس‏ العطار تعدادی از قصاید او را در کتاب ارجمند «آثار ادبی اصحاب امیر المؤمنین علی(ع)» گرد آورده و به طبع رسیده است.یا قیس بن سعد انصاری،یا عمار یاسر،یا«خزیمه بن ثابت انصاری‏ (ذو شهادتین)،یا«سعید بن قیس حمدانی»که‏ قصاید و سایر انواع ادبی اشعار این مردان بزرگ‏ در کتاب سابق الذکر جمع شده و خوشبختانه‏ در دسترس است.

دعبل بن علی الخزاعی(مدفون در شوش دانیال‏ استان خوزستان)در کمال جزالت و فصاحت و با شجاعت کامل امام رضا علیه السلام را در حضور مأمون ستوده که بسیار معروف است.(6)با مطلع:

تا سفت جارتی لمارات زوری‏ و عدت الحلم ذنبا غیر مغتفر

و با ابیات پایانی:

قتلا و اسرا تخویفا و منهبه‏ فعل المعزاء باهل الروم و الخزر

اری امیه معذورین ان قتلوا و لا لنبی الفتاح عذر

امام حسین علیه السلام نیز شاعر بودند و حتی‏ در بحبوحه جنگ در کربلا،اشعار شیوا و مؤثری با صدای بلند و لحن حماسی خواندند که‏ بسیار معروف و توسط اصحاب مقاتل و ارباب‏ منابر نقل شده‏اند:

یا دهر اف لک من خلیلی‏ کم لک بالاشراف و الاصیلی

من صاحب او طالب قتیلی‏ و الدهر لا یقنع بالبدیلی

و انما الامر الی الجلیلی‏ و کل حی سالک السبیلی

یعنی ای دهر و ای روزگار تفو بر تو و دوستیت‏ که بسیاری از مشتاقان و آرزومندان را اسیر سر پنجه‏ مرگ کردی.بزرگان و پاک‏گوهران را کشتی،امور زندگانی ما در دست خدای قادر متعال است و هر جنبنده‏ای باید راه مرگ را طی کند.

از فرزند ارشد آن حضرت،حضرت علی‏ اکبر نیز اشعاری ضبط شده است که چون شعرهای‏ پدر بزرگوارش نقل شد،به مصداق«چون که‏ صد آمد،نود هم پیش ماست»(7)از ذکر آنها صرف‏ نظر می‏کنیم.بسیاری از شاعران مسلمان-به‏ خصوص شیعی-خود را مقید و متعهد و ملتزم‏ دانسته‏اند که از سر اخلاص و ارادت و ایمان، اشعاری در توحید و تحمید خداوند و نعت و ستایش‏ رسول بزرگوار اسلام و اولاد معصومینش بسرایند و در تبویب دیوان خود نوعا سلسله مراتب را رعایت‏ کرده و آن مدایح و احتمالا مرائی را گنجانده و سپس‏ طبق نظم الفبایی اشعار خود را ارائه می‏دهند.

علما و فقهای اسلام،بعضا شاعر بوده‏اند و حتی تعدادی از آنان صاحب دفتر و دیوان هستند.

البته بعد علمی و فقاهت آنها بر بعد شعریشان‏ رحجان دارد.همچنانکه بالعکس تعدادی دیگر، بعد شعریشان،بر بعد علمیشان،برتری داشته(مثل‏ شیخ اجل مصلح الدین سعدی شیرازی که شیخ و فقیه بوده و به منبر می‏رفته و«مجالس»او در کلیاتش‏ ضبط شده است که دقیقا با مواعظ و منابر عالمان‏ دینی مطابقت دارد.)واژه«ملا»را قبل از نام‏ بسیاری از شاعران مذکور در تذکره‏ها و تراجم احوال‏ می‏بینیم که از شماره و حساب خارجند و نیز واژه‏ «شیخ»و«مولا»و عنوان‏های مصطلح مشابه،مثلا شیخ بهایی(8)که از او،اشعار زیبا و متینی در دست‏ داریم و بعضی از آنها بسیار معروفند،از علمای دینی‏ زمان خود بوده و حتی«کتاب اربعین»که نوعی سنت‏ نوشتاری بین علما و محدثین بوده است،از او بازمانده است.یا شیخ محمد علی متخلص و معروف به«حزین لا هیجی»متولد 1103 هـ.ق.

و متوفای 1181 هـ.ق صاحب«تاریخ صفوی»و «تذکره حزین»که شیخ آقا بزرگ تهرانی(ره) (صاحب الذریعه)تعدادی از کتب ادبی و علمی او را نام می‏برد.غزل زیرا از او بسیار معروف است:

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد در دام مانده باشد،صیاد رفته باشد

شادم که از رقیبان دامن کشان گذشتم‏ گو مشت خاک ما هم بر باد رفته باشد

آواز تیشه امشب از بیستون نیامد گویا به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

یا ملا محسن فیض کاشانی(ره)از بزرگترین‏ عالمان شیعه در قرن 11 هجری که در فقه و حدیث‏ و تفسیر صاحب فتوا و رأی و نظر بوده و تألیفات‏ پر ارزش و متعددی دارد.سید نعمت الله‏ جزایری(ره)در کتاب«زهرا الربیع»خود می‏گوید: «استاد محقق ملا محمد فیض کاشانی صاحب وافی‏ و غیره و مؤلف نزدیک به دویست کتاب و رساله...علوم عقلی را از استاد بزرگ آخوند ملا صدر الدین شیرازی‏[صدر المتالهین‏]فرا گرفت...»او شاعری توانا و استاد بوده و غزل‏های پر شوری از او در کتب مربوطه نقل شده‏ است.

از جمله:

من این زهد ریایی را نمی‏دانم،نمی‏دانم‏ رسوم پارسایی را نمی‏دانم،نمی‏دانم

یکی گویم،یکی دانم،یکی بینم،یکی باشم‏ دوتایی و سه‏تایی را نمی‏دانم نمی‏دانم(9)

به غیر مهر مهرویان که تابد بر دل و بر جان‏ طریق روشنایی را نمی‏دانم نمی‏دانم

من ار نیکم و گر بد،«فیض»،گو مردم ندانندم‏ زبان خود ستایی را نمی‏دانم نمی‏دانم

وی به سال 1091 هـ.ق.در کاشان وفات‏ یافت و مقبره او در آن شهر مورد احترام همگان‏ است.و از متأخرین نیز تعداد فراوانی از عالمان و فقیهان و محدثان و واعظان را سراغ داریم که ضمن‏ انجام وظایف روحانی خود،شاعر نیز بوده‏اند،به‏ عنوان مثال:حاج ملا احمد نراقی از بزرگان علما و فقهای شیعه امامیه قرن سیزدهم هجری که کتب‏ فقهی زیر از آن بزرگوار علاوه بر دیوان شعر فارسی‏ که در آن«صفایی»تخلص فرموده منظومه‏ «طاقدیس»بجا مانده است.

1-اجتماع الامر و النهی

2-اساس الاحکام،در اصول فقه

3-اسرار حج.در مناسک حج

4-حجته المظنه

5-خزائن

6-سیف الامه

7-شرح تجرید الاصول

8-عین الاصول

9-مفتاح الاحکام

10-مستند الشیعه فی احکام الشریعه

\*حضرت رسول(ص)به‏ «حسان بن ثابت»شاعر همزمان خود امر کرد، تا در برابر وافدین عرب که‏ «فخریه»می‏خواندند «شعر»بگوید و حقایق‏ دینی و الهی را بیان کند.

11-معراج السعاده

12-مناهج الوصول

بدون شک حاج ملا احمد نراقی(صفایی)یکی‏ از شاعران دست اول و گزیده‏گوی تاریخ ادبیات‏ متأخر ایران محسوب می‏شود.از اوست:

بدین دردم طبیبی مبتلا کرد که درد هر دو عالم را دوا کرد

خوشا حال کسی کاندر ره عشق‏ سری در باخت یا جانی فدا کرد

در میخانه بر رویم گشادند مگر میخواره‏ای بر من دعا کرد

«صفایی»تا مرید می کشان شد عبادتهای پیشین را قضا کرد

بدیهی است در این مقوله،فقاهت و وجهه‏ شریعتی شاعران عالم و عالمان شاعر در نظر بوده، و الا عارفان و صوفیه(با وجود فرق فارقی که بین‏ این دو هست)که اغلب شاعر هم بوده‏اند و نیاز به‏ ذکر ندارد از جمله:سنایی،عطار،مولانا،شیخ‏ محمود شبستری...تا برسیم به مثلا مرحوم صفی‏ علیشاه.

دیگر از عالمان متأخر که شاعر هم بوده‏اند، شهرت شاعریشان بیش از«عالم-شاعر»آن دیگر است باید از مرحوم حاج میرزا حبیب خراسانی نام‏ ببریم که از سر آمد عالمان و فیلسوفان و شاعران‏ توانای قرن 13 هجری ایران است.او از خاندانی‏ فقیه و ادیب پدید آمد(در سال 1266 هـ.ق در مشهد و در سال 1327 یعنی سه سال پس از استقرار مشروطیت در همان شهر از دنیا رفت)اشعار و غزلیات شیوا و دلنشینی از او بجا مانده است.

یا حاج ملا هادی سبزواری فیلسوف اسلامی‏ متخلص به«اسرار»و میرزا ابو الحسن جلوه، دیگران و...

و از معاصرین هم نمونه‏های زیادی از عالمان‏ و فقیهان و اسلامشناسان داریم که در کنار افاضات‏ علمی،فقهی و تفسیری خود،اشعاری در قالب‏های مختلف سروده‏اند مانند امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی(ره)،استاد حسن حسن‏زاده آملی‏ و آیت الله شاه آبادی(استاد امام)و آیت الله جلیلی‏ کرمانشاهی که در این فقره مثال زدنی هستند و بررسی شعر این بزرگواران مجالی مفصل و مستقل‏ می‏طلبد.

(1)-سوره یونس آیه 69

(2)-سوره الشعرا آیه 224

(3)-اشعاری از 7 شاعر جاهلی که چون آن را به خانه کعبه‏ می‏آویختند به معلقات معروف شدند و آنان را عبارت بودند از:

الف-امرء القیس با قصیده‏ای به مطلع:

قفانبک من ذکری حبیب منزل‏ بسقط اللوی بین الدخول فحومل

ب-زهیر بن ابی سلمی با معلقه‏ای به مطلع:

امن ام او فی دمنه لم تکلم‏ بحومانه الدراج فالمتثلم

ج-حارث بن حلزه البکریی

د-لبید بن ربیعه با معلقه‏ای با مطلع:

عفت الدیار محلها فمقامها بمنی تابد غولها فر حامها

هـ-عمرو بن کلثوم الثعلبی با معلقه‏ای به مطلع:

الا هبی بصحنک فاصبحینا و لا تبقی خمور الاندرنیا

و-طرفه بن العبد

یا لک من قبرة بمعمری

فلا لک الجو فبیضی و اصغری

و نقری ما شئت آن تنقری

قدر فع الفخ فماذ تحذری

لا بدیو ما ان تصاوی فاصبری

ز-عنتره بن شداد العبسی

یکی از شاعران درجه اول اهل جاهلی و از معلقه گویان نام‏آور دیوانی(که البته قسمت اعظم آن مجعول است)و داستانی که‏ شرح دلدادگی او و دختر عمش(عتبه)است و به زبان‏های‏ اروپایی ترجمه شده به او نسبت داده‏اند.او به سال 22 قبل از هجرت به قتل رسید.

این قصاید به همت مرحومان ادیب نیشابوری و بعدها عبد المحمد آیتی به فارسی ترجمه شده‏اند و در دسترس است.

(4)-دیوان خاقانی به تصحیح دکتر سید ضیاء الدین سجادی‏ ص 10

(5)-قرآن کریم سوره 26 آیه 227

(6)-منقول از شیخ طوسی(ره)در امالی به نقل از یحیی بن اکثم

(7)-نام احمد(ص)نام جمله انبیاء است

چون که صد آمد نود همه پیش ماست.مثنوی مولانا که مصراع‏ دوم به صورت امثال سایره درآمده.

(8)-محمد بن حسین عاملی دانشمند معروف عهد شاه عباس‏ متولد 953 هـ.ق و متوفای 1031 هـ.ق در اصفهان.حدود 88 کتاب رساله علمی و فقهی و ادبی از او بجا مانده.